



## جایگزینی و اهمیت آن در ترجمه

علی خزاعی فر

۱- مقدمه

جایگزینی (anaphora) عبارت است از نوعی رابطه میان دو واحد زبانی، و آن وقتی ایجاد می‌شود که بخواهیم یک واحد زبانی را در جمله یا جملات بعد تکرار کنیم. این واحد زبانی که آن را مرجع (antecedent) می‌گوئیم ممکن است کلمه، گروه (phrase)، بند (clause) یا جمله باشد. بجای تکرار مرجع، از واحد زبانی دیگری استفاده می‌کنیم که آن را جایگزین (anaphor) می‌نامیم. در مثال زیر کلمات John, a car, garage, مرجع و کلمات which, it, him به ترتیب جایگزین آنها هستند:

1. *John bought a car, and within two days it was back in the garage which had sold it to him.*

آشنایی با بحث جایگزینی از دو نظر برای مترجم اهمیت دارد. اولاً از جهت درک مطلب، زیرا اساساً درک مطلب یعنی درک روابط درون متنی و برون متنی از جمله رابطه میان مرجع و جایگزین. ثانیاً در بسیاری از موارد، فارسی و انگلیسی شیوه‌های متفاوتی برای بیان رابطه جایگزینی بکار می‌برند. بدیهی است در چنین مواردی ترجمه تحت‌اللفظی متن انگلیسی در فارسی قابل قبول نخواهد بود.

روابط میان مرجع و جایگزین را به طرق مختلف می‌توان تقسیم‌بندی کرد. در اینجا تقسیم‌بندی پیشنهادی فرانسویس کورنیش<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) را مبنای توصیف خود قرار داده‌ایم. بر اساس این تقسیم‌بندی، روابط جایگزینی بر سه نوعند: رابطه نحوی، رابطه معنایی، و رابطه فرامتنی (pragmatic). اینک به ترتیب به توصیف این سه نوع رابطه پرداخته و هر نوع رابطه را با ذکر مثال توضیح می‌دهیم.<sup>۲</sup>

### ۲- رابطه نحوی

رابطه میان مرجع و جایگزین وقتی رابطه‌ای نحوی است که جایگزین، کلمه‌ای دارای نقش ضمیر (pro-form) باشد. این کلمات عبارتند از: ضمایر (مثال ۲)، قیودی مثل here, there, then (مثال)

1. Cornish, Francis (1986). *Anaphoric Relations in English and French, a discourse perspective*. Croom Helm.

۲- غالب مثالها از کتاب کورنیش گرفته شده است.

۳)، عباراتی ساخته شده از فعل *do* مثل *do it, do so, do that* که جایگزین عبارت فعلی می‌شوند<sup>۱</sup> (مثال ۴):

2. *My cousin said he was coming.*
3. *All her life she dreamt of Paris, but she never got there.*
4. *They said they would do it/do so.*

به مثالهایی دیگر از رابطه نحوی توجه کنید:

5. *Though George was able to afford a brand-new car, Denis could only afford a second-hand one.*

جرج توانایی خرید ماشینی نو را داشت، اما دنیس فقط می‌توانست ماشینی دست دوم بخرد.

6. *George's car was brand-new, but Denis's  $\emptyset$  was second-handed.*

ماشین جرج نو بود، اما ماشین دنیس دست دوم بود.

7. *Before then, the generally accepted view of African's history had been that there was none.*

قبل از آن، نظریه غالب در مورد تاریخ آفریقا این بود که آفریقا تاریخی ندارد.

8. *Some industries were doing well, but there were not enough of them.*

برخی از صنایع وضعیت خوبی داشتند، اما تعداد آنها (این قبیل صنایع) زیاد نبود.

جایگزین گاه ضمیری است که مرجع آن جمله‌ای کامل است و این ضمیر در واقع به قضایه‌ای برمی‌گردد که جمله بیانگر آن است. در انگلیسی این گونه رابطه با ضمائر *so, that, this, it* و ضمیر تهی  $\emptyset$  بیان می‌شود:

9. *Max speaks excellent Hungarian, and he knows it.*

ماکس زبان مجاری را عالی صحبت می‌کند و خودش این را می‌داند.

10. - *Will the race take place this afternoon?*

- I believe so.

- مسابقه امروز بعد از ظهر برگزار می‌شود؟  
- فکر می‌کنم برگزار بشود.

11. *How many of them are there? The minister will not say  $\emptyset$ .*

چند نفر از این آدم‌ها وجود دارند؟ وزیر به این سؤال پاسخ نمی‌دهد.

۱- در مواردی که جایگزین، کلمه‌ای دارای نقش ضمیر است، بین دو نوع رابطه میان مرجع و جایگزین باید تمایز قابل شد. این تمایز در دو مثال زیر نشان داده شده است:

1. *I went to the library for a book yesterday, but they hadn't got it.*

2. *I went to the library for a book yesterday, but didn't borrow one.*

در جمله (۱) رابطه میان *it* و *a book* رابطه هم‌مصداتی (co-reference) است زیرا هر دو هم‌مرجع هستند، اما در جمله (۲) رابطه میان *one* و *a book* رابطه جایگزینی است زیرا *one* جایگزین *a book* شده است.

چنانکه از مثالهای فوق و ترجمه فارسی آنها برمی آید، در انگلیسی کلمات دارای نقش ضمیر بجای اسم یا عبارت اسمی می‌نشینند تا از تکرار مجدد آنها جلوگیری کنند، اما در فارسی معمولاً اسم یا عبارت اسمی تکرار می‌شود. عدم تکرار اسم یا عبارت اسمی باعث می‌شود جمله نادرست یا مبهم شود.

در مواردی که کلمه دارای نقش ضمیر، جایگزین فعل یا عبارت فعلی شود، این کلمه را *pro-verb* می‌گویند. در ترجمه جملات انگلیسی که در آنها از تکرار فعل یا عبارت فعلی خودداری شده است، سه شیوه متفاوت به شرح زیر به کار می‌رود:

#### الف- تکرار فعل

12. Bill will only *present his apologies* if John does  $\emptyset$  too.

بیل به شرطی معذرت خواهی می‌کند که جان هم معذرت خواهی کند.

13. Spectators who *leave the theatre* before the end of the performance are requested to *do so* quietly.

از تماشاگرانی که پیش از اتمام نمایش تماشاخانه را ترک می‌کنند درخواست می‌شود آرام از سالن خارج شوند.

#### ب- استفاده از عبارتی مثل "کردن این کار" در مقام جایگزینی فعل

14. No-one expected that John would be able to *run a mile in under three minutes*, but he *did it*.

هیچ‌کس فکر نمی‌کرد جان بتواند یک مایل را در کمتر از سه دقیقه بدود، اما او توانست این کار را بکند.

#### ج- حذف فعل به قرینه

15. John *hit the nail* with a hammer, and Paul  $\emptyset$  with a stone.

جان میخ را با چکش کوبید، و پل با سنگ  $\emptyset$ .

#### ۳- رابطه معنایی

رابطه میان مرجع و جایگزین وقتی رابطه‌ای معنایی است که بین این دو یکی از سه رابطه زیر برقرار باشد:

الف: هم معنایی (synonymy)، در این حالت مرجع و جایگزین هم معنی هستند:

16. *Two criminals on the run from prison* are trying to escape from the region in a stolen car. The policemen open fire. One of *the villains* is killed....

دو تبهکار که از زندان گریخته‌اند سعی دارند با اتوموبیلی مسروقه از منطقه فرار کنند. پلیس به سوی آنها تیراندازی می‌کند. یکی از جنایتکاران کشته می‌شود....

ب: شمول معنایی (hyponymy)، در این حالت، جایگزین، کلمه‌ای عام‌تر و فراگیرتر از مرجع

است:

17. A bomb exploded yesterday in a car belonging to a well-known magistrate. No-one was hurt, but the vehicle was completely destroyed.

روز گذشته بمبی در اتوموبیلی متعلق به یک قاضی سرشناس منفجر شد. کسی آسیب ندید اما وسیله نقلیه بکلی از بین رفت.

18. John has just bought a beautiful Siamese cat. He is very happy with it. As for his wife, she can't bear the animal.

جان به تازگی یک گربه زیبای سیامی خریده است. خودش گربه را خیلی دوست دارد، اما زنش اصلاً نمی تواند حیوان را تحمل کند.

ج: شمول معنایی در بافت کلام. در این حالت، مثل حالت (ب)، جایگزین، کلمه‌ای فراگیرتر از مرجع است، ولی برخلاف حالت (ب) که در آن بین مرجع و جایگزین خارج از بافت کلام نیز رابطه شمول معنایی برقرار است، در اینجا فراگیرتر بودن جایگزین نسبت به مرجع در واقع در بافت کلام قابل درک است. اهمیت مورد اخیر از جهت درک رابطه میان مرجع و جایگزین است. نویسنده با توجه به بافت کلام بین مرجع و جایگزین رابطه شمول معنایی برقرار می‌کند و خواننده نیز در بافت کلام است که می‌تواند این رابطه را استنباط کند. حالت (ج)، در مقایسه با دو حالت (الف) و (ب)، بسیار متداول‌تر است:

19. Janet Taylor explains why the death of her daughter moved her to put the experience down in words.

جنت تیلور توضیح می‌دهد که چرا مرگ دخترش او را برانگیخت تا این واقعه را به رشته کلام در آورد.

20. It was yellow fever that was responsible for de Lessep's failure to build the Panama Canal. The subsequent success of the Americans in completing this great venture was due to the discovery that yellow fever was transmitted to men by mosquitoes.

تب زرد بود که باعث شکست دولسپ در احداث کانال پاناما شد. بعدها نیز آمریکاییها تنها پس از کشف این نکته که تب زرد از طریق پشه به انسان منتقل می‌شود توانستند این طرح بزرگ و مخاطره‌آمیز را تکمیل کنند.

21. In the sixth continent, Asia, English is the commercial language, and the rise of Japan has reinforced the trend.

در قاره ششم، آسیا، انگلیسی زبان تجارت است و ظهور ژاپن این روند را تقویت کرده است.

22. Supporters of Bobby Sands say that he is now in a coma, but representatives of the prison authorities have denied the allegation.

طرفداران بابی ساندز می‌گویند که او اکنون در حال اغما به سر می‌برد، اما نمایندگان مقامات زندان این ادعا را تکذیب کرده‌اند.

## ۴- رابطه فرامتنی

نویسنده گاه با توجه به آگاهی که در مورد مرجع دارد، بین مرجع و کلمه‌ای دیگر رابطه جایگزینی برقرار می‌کند. این آگاهی یا از نوع دانش عامی است که دائرةالمعارف در اختیار فرد می‌گذارد (مثل اینکه فلان چیز چه خواصی دارد، چه روابطی میان دو چیز برقرار است و علل و پیامدهای فلان عمل یا واقعه کدام است و امثال آن) و یا دانشی است خاص مبتنی بر شناخت‌گوینده از فرهنگ، فرد، واقعه یا مؤسسه‌ای خاص. به مثالهای زیر توجه کنید:

23. 70% of firms suffering a serious fire stop working within three years of the disaster.

هفتاد درصد شرکتهایی که دچار آتش‌سوزی می‌شوند در سه سال اول پس از فاجعه تعطیل می‌شوند.

24. A spokesman for *The Daily Telegraph* said today that *the newspaper* would still be printed this week.

سخنگوی دیلی تلگراف امروز اعلام کرد که روزنامه این هفته نیز چاپ می‌شود.

25. Mr. Berlinger never held high office outside the party, because the Communists have never won a share of government power. That would normally exclude him from a *state funeral*, but it is possible that *the honour* will be extended to him.

آقای برلینگر هیچگاه سمت مهمی خارج از حزب نداشت زیرا کمونیستها هیچگاه در قدرت دولت سهم نبوده‌اند. این نکته طبعاً او را از تشییع جنازه دولتی محروم می‌کند، اما احتمال دارد که این افتخار نصیب او نیز بشود.

26. *Scholastic philosophy* was to break this equilibrium and provide a new role for rhetoric. *This school of thought* played a very specific part in the history of human thinking.

فلسفه اسکولاستیک این توازن را برهم زد و نقشی جدید برای فن بیان پیدا کرد. این مکتب فکری نقش بسیار خاصی در تاریخ اندیشه بشری ایفا کرد.

در مثال (۲۳) نویسنده با توجه به این دانش عام که آتش‌سوزی نوعی فاجعه است بین *fire* و *disaster* رابطه جایگزینی برقرار کرده است. در مثالهای (۲۴) تا (۲۶)، رابطه جایگزینی بر اساس اطلاعاتی خاص که نویسنده در مورد مرجع دارد برقرار شده است. در مثال (۲۴)، نویسنده می‌داند که دیلی تلگراف نام روزنامه‌ای است. در مثال (۲۵)، رابطه جایگزینی بر اساس این آگاهی فرهنگی نویسنده ایجاد شده که "تشییع جنازه دولتی" نوعی "افتخار" است که به کسی ارزانی می‌شود. و بالاخره در مثال (۲۶)، نویسنده فلسفه اسکولاستیک را "مکتبی فکری" می‌داند و براساس این آگاهی بین این دو، رابطه جایگزینی برقرار می‌کند. بدیهی است اگر خواننده در دانش نویسنده سهم نباشد و برای مثال نداند که دیلی تلگراف نام روزنامه‌ای است نخواهد توانست رابطه میان مرجع و جایگزین را درک کند. □